

تعریف عدالت از زبان امام صادق (ع)

تعریف عینی و عملی عدالت، از امام صادق (ع) و امام کاظم (ع)، به نقل از کتاب «کافی»، و مطلبی چند پیرامون «عدالت»:



همشهری آنلاین - محمدرضا حکیمی:

تعریف عینی و عملی عدالت، از امام صادق (ع) و امام کاظم (ع)، به نقل از کتاب «کافی»، و مطلبی چند پیرامون «عدالت»:

عالمان معقول و منقول بر این حقیقت اتفاق دارند که چون درباره موضوعی سخنی معتبر از معصوم (ع) برسد، آن سخن بر همه سخنان دیگر گویندگان - هر کس باشند - مقدم است، و قبول آن به ضرورت عقل لازم است و تمثیل معصوم (ع) در حکم «قیاس برهانی» است، با مقدمات «اولی» (نه نظری).

ملا عبدالرزاق لاهیجی (م: 1072ق) می‌گوید: «مقدماتی که فراگرفته شود از معصوم، به طریق تمثیل، به منزله اولیات باشد در قیاس برهانی. و چنان‌که قیاس برهانی افاده یقین کند، دلیلی که مؤلف باشد از مقدمات مأخوذه از معصوم افاده یقین تواند کرد، به این طریق که این مقدمه، گفته معصوم است. و هرچه گفته معصوم است، حق است. پس این مقدمه حق است.» (1)

و روشن است که این چگونگی از آنجاست که منشأ علم معصوم، «علم الهی» و «لوح محفوظ» و «کتاب مکنون» است، و عقل معصوم عقل کلی است نه عقل جزوی بشری (که انسان‌ها همه از آن به تفاوت برخوردارند، از جمله فیلسوفان و عارفان)، و علم معصوم (ع) علم اولی است که هیچ راه خطایی در آن نیست، نه علم نظری بحثی یا علم کشفی ریاضتی، که انسان‌هایی به آن می‌رسند، و هر دو در معرض تعارض و اختلاف است، و هرگز و هیچ‌گاه به مرتبه «علم اولی» نمی‌رسد. و این در صورتی است که موضوعی در این علوم، مورد اتفاق باشد، وگرنه در صورت اختلاف ادله و تعارض براهین، و تنافی و تقابل کشف‌ها، که از اعتبار آن کاسته می‌شود.

فیلسوف ویژه و بزرگ و کم‌مانند دوران، میر سید ابوالقاسم فندرسکی (م: 1050ق) نیز در این باره چنین می‌گوید: «فلاسفه در علم و عمل گاه‌گاه خطا کنند و انبیا در علم و عمل خطا نکنند. و فلاسفه را طریق علم، به عمل و فکر باشد، و انبیا را وحی و الهام، و چیزها را نه به فکر دانند که آنچه نظری فلاسفه است، ایشان را اولی است. و از این است که اینها خطا نکنند و آنها خطا کنند، که خطا در اولیات نیفتد، و در نظریات افتد.» (2)

و بر همین بنیاد است بنیادی عقلی که می‌نگریم به جز عالمان رشته‌های مختلف فقه و تفسیر و حدیث و اخلاق و کلام و ... فیلسوفان اسلامی نیز در آثار و مباحث خویش به نقل اخبار می‌پردازند، و به آنها استناد می‌کنند و از آنها تأیید می‌جویند، و برای تثبیت یا تأیید نظر خویش، اخبار را در مسائل مورد نظر می‌آورند و با نهایت تجلیل به محتوای اخبار می‌نگرند، چنان‌که در آثار ابن‌سینا، میرداماد، صدرالمتألهین شیرازی، حاج ملا هادی سبزواری، آقا علی مدرس (حکیم) و دیگران این امر را مشاهده می‌کنیم. و موضوع در حد خود روشن است و نیازی به بیش از همین اندازه یادآوری ندارد.

درباره عدالت، و معانی و اصطلاحات آن در نزد صاحب‌نظران مختلف، همچنین ارتباط آن با «آزادی» و «برابری»، و مباحثی از این گونه نیز اقسام عدالت و منشأ هر کدام، و راه تحقق هر یک ... سخنان بسیار گفته‌اند که در این نوشتار در پی نقل و نقد و برابر نهی و ارزیابی و تعیین حدود و تداخل‌های آنها نیستم، بلکه در اینجا آهنگ آن دارم که اگرچه به اختصار این موضوع را یادآور شوم که یکی از مهمترین اقسام عدالت، عدالت معیشتی و حیاتی (و به تعبیری: عدالت اقتصادی) است که تأثیر بسیار ژرف و گسترده و بسیار بنیادین آن، در همه شئون مادی و معنوی زندگی انسانی، و تعلیم و تربیت انسان‌ها، و رشد «الهی

انسانی» انسان، درخور هیچ گونه تردیدی و تسامحی نیست.

درباره «عدالت معیشتی و حیاتی»، نیز سخنانی گفته‌اند و اندیشمندان و متخصصانی از همه جای جهان و در تاریخ گذشته و حال، و از مکتب‌های گوناگون، به مناسبت‌هایی مختلف، نظرها و تعریف‌هایی ابراز داشته‌اند، لیکن در این نوشتار می‌خواهم تعریفی مغفول و مهجور از «عدالت»، که از دو پیشوای مظلوم‌ترین مکتب جهان و ستم‌دیده‌ترین مذهب در سرتاسر تاریخ انسان رسیده است و در دسترس است، بیاورم و معرفی کنم و از همه صاحب‌نظران و محققان و عدالت‌خواهان و انقلابیون جهان، با دیدگاه‌های گوناگون آنان، درخواست کنم تا در ابعاد عظیم و اعماق عجیب این «تعریف» عینی بنگرند، و در صورتی که آن را والاترین و انسانی‌ترین و ارزشی‌ترین و انقلابی‌ترین تعریفی دیدند که از «عدالت معیشتی و اقتصادی» در زندگی انسان شده است، به حکم وجدان و انسانیت و برای ادای احترام به همه ارزش‌های انسانی و همه ایثارها و فداکاری‌های بشری، در نشر آن در همه جا، و تفهیم آن به همگان کوتاهی نورزند، و در راه «فقرزدایی جهانی»، آن را ملاک گیرند، و سرلوحه اقدام‌های گران و انقلاب‌های دگرگون‌ساز قرار دهند، و از مبارزه‌های پیگیر برای تحقق آن هیچ دم باز نایستند.

تعریف عینی

تعریف عظیم و کوتاه و عینی یاد شده با سند معتبر از سوی سپیده‌آفرین سپیده‌دمان هدایت، فروغ‌گستر آفاق صیورث، و پیشوای اقالیم رشد و تربیت، حضرت امام جعفر صادق (ع) رسیده است، و این است:

– انّ الناس یستغنون اذا عدل بینهم: (3) اگر در میان مردمان به عدالت رفتار شود، همه بی‌نیاز می‌گردند.

این «تعریف» به صورتی شگفتی‌آور، در نزد عموم مسلمین، به‌ویژه پیروان ائمه معصومین (ع) مورد غفلت قرار گرفته و فراموش گشته است. و اگر جایی سخن از عدالت گفته می‌شود، یا در این باره چیزی نوشته می‌شود، یا محققان و صاحب‌نظران به بحث در این باره‌ها می‌پردازند، اشاره‌ای نیز به این تعریف به چشم نمی‌خورد. و این چگونگی در مورد تعالیم آنان، از نقطه‌ها و نمونه‌های بارز مظلومیت دامنه‌دار ائمه طاهرین (ع) و معارف گوناگون آن بزرگواران است و مکتب خورشیدسان ایشان.

نقطه اوج این تعریف (به جز اعماق الهی و ابعاد انسانی آن، و همچنین نشان دادن مراد الهی، از اقامه قسط و اجرای عدل در آیات قرآن کریم و سنت نبوی)، عینیت آن است؛ یعنی در این تعریف، به هیچ روی «کلی‌گویی» و «ذهن‌گرایی» نشده است، بلکه واقعیت عینی و خارجیت ملموس، با صراحت (و به تعبیر مردم: لبّ و پوست‌کنده) گفته شده است تا مطلب برای هرکس، حتی عامی‌ترین مردم و حتی در سنین پایین از نوجوانان، معلوم و محسوس باشد...

خوشبختانه این حدیث شریف و عظیم، در کتابی معتبر چونان «کافی» روایت شده است، اگرچه خود مضمون آن (که جز از علم جامع و واقعیت‌نگری معصوم (ع) و الهیت تعالیم معصومان، که سرشار از مراعات جانب خلق است، یعنی بندگان خدا بندگان محروم خدا صادر نمی‌شود)، بی‌نیاز از هر گونه سندی است، و برای انتساب آن به معصوم کافی است.

و باید دانست که موضوع مطرح گشته در این تعلیم بزرگ الهی، از ده‌ها آیه و حدیث دیگر نیز استفاده و استنباط می‌شود، بلکه از پاره‌ای از آنها به صراحت نیز به دست می‌آید، 4 لیکن علاوه بر آنچه گفته شد، حدیثی دیگر از آموزگار حقایق و حیانی، هدایت‌نگر معالم قرآنی، تجسم نفاتات رحمانی و تبلور ظهور سُبُوحی و سبحانی، حضرت امام موسی کاظم (ع) رسیده است که همواره ارتباط ذاتی و اصل جوهری تعالیم الهی و معالم دینی را در مکتب اهل بیت (ع) روشن می‌سازد، حدیث کاظمی این است:

– ان الله لم یترك شیئاً من صنوف الاموال الا و قد قسمه، و اعطى كل ذي حق حقه، الخاصه و العامه، و الفقراء و المساکین، و كل صنف من صنوف الناس... لو عدل في الناس لاستغنوا...: 5 خداوند هیچ گونه مالی را رها نگذاشته، بلکه آن را قسمت کرده است، و حق هر صاحب حقی را (در تقدیر الهی) به او داده است. خواص و عوام، و فقیران و بینوایان، و همه قشرهای مردمان... اگر در میان مردم به عدالت رفتار می‌شد، همه بی‌نیاز می‌شدند (و فقری و مسکینی و نیازمندی باقی نمی‌ماند).

اگرچه از ظاهر این دو حدیث، عدالت اقتصادی و معیشتی فهمیده می‌شود، لیکن چه بسا بتوان، ایستار عین‌گرایانه دو حدیث را به همه اقسام عدالت مربوط دانست؛ زیرا تعبیر «الناس: مردمان»، و «اذ عدل بینهم: هرگاه در میان آنان عدالت اجرا شود»، صورت‌های دیگر عدالت را نیز شامل می‌شود؛ زیرا که ایجاد عدالت و اجرای آن به صورتی که جامعه از چنگال‌های اختاپوس فقر رهایی یابد، باید بر شالوده‌هایی نیرومند استوار باشد. و این شالوده‌های نیرومند، جز با «حضور عدالت» در شئون دیگر اجتماع پیریزی نخواهد شد و استواری نخواهد یافت.

پي‌نوشتها:

1. «گزیده گوهر مراد»، ص 23، مقدمه و توضیحات و واژه‌نامه، صمد موحد، تهران، کتابخانه طهوری (1364ش).
 2. «رساله صناعیه» (حقائق الصنائع)، چاپ مشهد، با مقدمه و اهتمام دکتر علی اکبر شهابی (1317ش).
 3. «کافی»، ج 3، ص 568، «الحیاه»، ج 6، ص 345.
 4. به جلد سوم تا ششم «الحیاه» مراجعه کنید، و آیات و احادیث مذکور در این مجلدات را با دقت بخوانید، و در ارتباط با هم در آنها بیندیشید و آفاق عمل به آنها را برای رهایی واقعی مستضعفان در برابر خود مجسم سازید.
 5. «کافی»، ج 1، ص 542، «الحیاه»، ج 6، ص 345.
- منبع: پایگاه رسمی مرکز دائره المعارف بزرگ اسلامي